لَمّـا نَظَروا إلَى الْأَسئِلَـةِ، تَعَجَّبـوا لِأَنَّـها كانَتْ هٰكَذا:
هنگامی که نگاه کردند به سوالات تعجب کردند زیرا آنها اینگونه بود:

١ لِـماذَا انْـفَـجَـرَ الْإطـارُ؟ برای چه تایر ترکید؟

٢ أَيُّ إطارٍ مِنْ سَيّارَتِـكُمُ انْفَجَرَ؟ کدام تایر از ماشین شما ترکید؟

٣ فـي أَيِّ طَريقٍ وَقَعَ هٰذَا الْحادِثُ؟ در کدام جاده این حادثه اتفاق افتاد؟

٤ ما هوَ تَرتيبُ جُلوسِكُم فِـي السَّيّارَةِ؟ ترتیب نشستنتان در ماشین چیست؟

٥ كَيفَ اسْتَطَعْتُم أَن تَحِلّوا مُشكِلَتَـكُم؟ چه طور توانستید مشکلتان را حل کنید؟

٦ كَـم كانَتِ السّاعَـةُ عِنـدَ انْفِجـارِ الْإطـارِ؟ هنگام ترکیدن تایر ساعت چند بود؟

٧ مَنْ كانَ مِنكُم يَسوقُ السَّيّارَةَ في ذٰلِكَ الْوَقتِ؟ در آن زمان چه کسی از شما ماشین را می راند؟

٨ هَل تَضْمَنُ أَن يُجيبَ أَصدِقاؤُكَ مِثْلَ إجابَتِـكَ؟ آیا اطمینان می کنی که دوستانت مانند پاسخ تو، پاسخ دهند؟

خَجِلَ الطُّلّابُ وَنَدِموا وَ اعْتَذَروا مِن فِعْلِـهِم، نَصَحَـهُمُ الْأُستاذُ وَ قالَ:
خجالت کشیدند دانشجویان و پشیمان شدند و عذرخواهی کردند از کارشان، استاد آنها را نصیحت کرد و گفت:
مَنْ يَكذِبْ لا يَنْجَحْ. عاهَدَ الطُّلّابُ أُستاذَهُم عَلىٰ أَن لا يَكْذِبوا، وَ قالوا لَهُ نادِمينَ:
هر کس دروغ بگوید موفق نمی شود. پیمان بستند دانشجویان با استادشان که دروغ نگویند و با پشیمانی به او گفتند:
تَعَلَّمْـنا دَرساً لَنْ نَنْساهُ أَبَداً.
درسی را یاد گرفتیم که هرگز آن را فراموش نخواهیم کرد.